

نامه‌های متبادله میان شاه عباس کبیر و امرای ایتالیا

— ۴ —

دو نامه از امیر تسکان و شرلی بشاه عباس

در این نامه‌ها شاه عباس بتقویت سلطان یحیی مدعی سلطنت عثمانی تشویق شده است در کتابخانه ملی نایل نسخه خطی از نامه دیگری از امیر تسکانا که بامیر فلورانس نیز معروف است دیده میشود که مشخصات عمده آن مانند نامه ایست که فوقاً وصف آنرا کرده ایم . در این نامه امیر تسکان بطور کلی آمادگی خود را برای جنگ با سلطان عثمانی اعلام میدارد بدون آنکه دلیل و کیفیات آنرا بیان کند . این دلیل و کیفیات از نسخه اصل نامه‌ای که رابرت شرلی در همان تاریخ شاه عباس نوشته و در آرشیو کتابخانه ملی فلورانس مضبوط است بطور واضح و روشن بدست میآید . تفصیل قضیه از اینقرار بوده است که پس از مرگ سلطان محمد ثالث (۱۵۹۵ - ۱۶۰۳) سلطان احمد پسرش بسلطنت عثمانی نشست . در همین اوان جوانی بنام سلطان یحیی که خود را پسر بزرگتر سلطان محمد ثالث و جانشین بحق وی اعلام نمود . کوزیموی دوم (Cosimu II) امیر تسکان باین جوان مدعی تاج و تخت سلطنت عثمانی پناه داده و باو اطمینان داده است که اگر بتواند ملت عثمانی را بر ضد سلطان احمد برادرش بشوراند همه گونه کمک و مساعدت را برای تصرف تاج و تخت بوی خواهد نمود و در سال ۱۶۰۹ یکمده جهازات پاروئی همراه وی نمود که او را از ایتالیا بترکیه ببرند تا ورود سلطان یحیی بخاک عثمانی موجب طغیان مردم بر ضد سلطان احمد بشود .

امیر تسکان برای اینکه کمک دولت ایران را نیز برای این شاهزاده بگیرد سفیری بنام جی دو بالدر برانکادورو (Guidubaldo Brancadoro) انتخاب کرد و او را بانامه‌ای مخصوص روانه دربار شاه عباس نمود و در این نامه صریحاً نوشت که : « دعوی سلطان یحیی را بر تاج و تخت عثمانی و بر ضد برادرش صحیح و بحق میداند و باین جهت است

که نمایندهٔ معتمد خود چی دوبالدو برانکاد ورو را برای بستن قرار دادی با آن اعلیحضرت جهت منافع عالی متقابل روانه ساخت و از آن اعلیحضرت تقاضا دارد که اعتماد کامل خود را از وی دریغ نفرمایند .

هر چند جهازاتی را که امیرتسکان بحمايت این مدعی تاج و تخت فرستاد کاری از پیش نبردند و پس از چند ماه بایتالیا فرا خوانده شدند و اساساً معلوم نشد که سلطان یحیی واقعاً فرزند محمد نالک بوده است یا یک ماجراجوی جاه طلب ولی مکانباتی که در این باره با شاه عباس شده است اهمیت تاریخی و سیاسی خود را همچنان حائز است. اینک ابتداء نامه امیرتسکان را از روی نسخهٔ مضبوط در کتابخانه ملی ناپل عیناً نقل میکنیم :

« بعد از وظایف دعا گوئی بر نواب همایون ظاهر بوده باشد که عزت مآب بیکزاده دان بر تو شیرلی که مکتوب محبت اسلوب نواب را آورد و چون بر مضمون مطلع شدیم نهایت خوشحالی روی نمود میباید که نواب همایون شما در باب جنگ رومی خاطر جمع دارند که این جانب نهایت سعی داریم و بسیار راضی هستیم که نواب نیز در جنگ کردن روم بغایت جهد تمام دارد و امید که رومیه شومیه نابود گردند و دوستی و یگانگی نواب همایون شما و درمیان (کذا) از وادی یادربانی که پادشاهان فرنگ بخدمت شما فرستاده اند زیاده خواهد شد و دیگر در محلی که بیک زاده مکتوب شما را آورد و فتحی که نواب از وادی رومی کرده بودند بما رسیدند (کذا) خدا مطلع است که نهایت بهجت و خوشحالی روی داد و دولت و امیدواری نواب بر ما ظاهر است که بهر طرف با لشکر ظفر انتساب روی خواهد نمود فتح و نصرت خواهد بود بر ما نیز لازم شده که لشکر ما جمع نموده به محاربه ترك مشقول (کذا) شده و خدا مطلع است که در باب جنگ نمودن تقصیر نخواهد شد و از این جهت مگرر به سمع مبارک رسانید و بعضی مدعیات در کتابت دیگر قید نموده بود از فرستادن بیکزاده الچی و دوستی نواب هرگز فراموش نخواهد شد و التماس چنان است که هر خدمتی که از دست بنده آید رجوع نمایند که بتقدیم رسانیده شود و بسیار مدعیات بود که در کتابت نتوانست نوشت بزبانی به بیکزاده گفته انشاء الله در محل حضور به عرض خواهد رسانید امید که همیشه با فتح و فیروزی بوده باشند و بر سر دشمنان مظفر و منصور باشند زیاده نرفت والدعاء »



بطوریکه ملاحظه می‌کنیم امیرتسکان در این نامه مطلقاً حتی اشاره‌ای بداستان سلطان یحیی و تصمیم خود بر کمک نظامی بوی نمی‌کند و تنها آماده بودن خویش را برای جنگ با عثمانی اظهار میدارد. به رابرت شرلی سفیر شاه عباس هم که در فلورانس بوده و با امیرتسکان معاشرت داشته است از بابت قضیه سلطان یحیی ابداً اظهاری نکرده اما رابرت شرلی خود از این موضوع اطلاع حاصل کرده و بشاه عباس نامه ذیل را نوشته است:

شاه عباس بهادرخان عالیجناب سلطنت و مملکت (در اصل نسخه چند کلمه رنگ رفته است و خوانا نیست) کردند سریر ملایک جمال پادشاه جم چاه (کذا فی الاصل) ستاره سپاه خورشید طلعت مریخ صولت آسمان رفعت شیر شجاعت پلنگ مهابت در درج سلطنت و شهر یاری اختر برج مروت و کامکاری بعد از عرض زمین بوسی اعلام رای قمر آرا میگردانیم که چون بیمن دولت نواب همایون آمدیم بولایت بچار رسیدیم در ملک بچار مارا عزت و حرمت بسیار از برای خاطر نواب کردند و جواب نامه نواب از پادشاه بچار ستانده بخدمت پادشاهان دیگر روانه شدیم تا رسیدیم بولایت حضرت حکومت رفعت و حشمت و جلالت و عظمت و شوکت (و) بختیاری نظاماً للرفعة والحکومة والحشمة والجلالة والمظمة والشوكة والمعدلة والعزة والعز والاقبال

کراندو که دی‌توسکانا که رسیدیم کراندو که مارا بخاطر نواب همایون بسیار عزت و حرمت کرد آداب بزرگی بجای آورد و مردم فرنگستان انقدر دوست‌دار و خواهان شاه عالم پناه‌اند که هرگاه که نام نواب همایون را که بر زبان جاری سازند همه قد راست کرده تواضع میکنند و خوشحال میشوند انقدر عزت کراندو که بما کردند که هیچ پادشاه اینقدر عزت نکر (د) همه از برای نام خدام عالی‌مقام است و دیگر معلوم باشد که برادر بزرگ خوانندگان از ولایت روم گریخته بالکفرنگستان آمده پناه‌بکراندو که دی‌توسکانا آورده است و کراندو که دی‌توسکانا نیز میخواهد که لشکر عظیم بدین جوان بدهد او را بر سر ترک بفرستد که با ترک جنگ کند باید که نواب کامیاب نیز باین جوان مددی رسانیده او را بر سر ترک بفرستد که با ترک جنگ بکند انشاء الله تعالی (کذا) که رومیه شومیه را از میان بردارند و توجه پادشاه فرنگ چنان است ترک را از میان برداشته همسایه

گری (کذا) و دوستی از دو جانبه نزدیک شود که هم از برای نواب کامیاب خوبست هم برای پادشاه فرنگستان خوبست و کراندو که نیز خوشحال خواهد شد که شاه عالم پناه این چنین خوبی بدین جوان کرده است و این کمینه این را دیده ام جوان با عقل و با هوش و با ادراک و دلیر و مردانه و میباید که شاه عالم پناه بدو مددی که (کذا) با جماعت ترک کوششی بکند تا ملک پدرش را بگیرد و دیگر این کمینه بی مقدار جواب نامه شاه عالم پناه را از کراندو که گرفته روانه رومه شده از رومه روانه اسپانیه رفته چو خدمت نواب جهان (کذا) پناه که با تمام رسانیدم از انجا راست روان بتوفیق خدا تعالی (کذا) بخدمت نواب مستطاب خواهم رسید انشاء الله تعالی. تحریراً فی شهر جماد الثانی سنه سبع عشر و الف (تاریخ در ذیل نامه در سمت چپ نوشته شده است)

اصل نامه فوق در آرشیو کتابخانه ملی فلورانس مضبوط است و پشت آن مهر رابرت شرلی خورده است. نکته جالب توجه این است که این نامه عیناً در ضمن اوراق دفتر امیر مدیسی Medicis یافت شده و بنظر میرسد اساساً بمقصد اصلی خود یعنی بایران و نزد شاه عباس فرستاده نشده است. در پایان این مقال بی مناسبت نمیدانم که نامه های متبادله میان شاه عباس و امیر تسکان راجع بامور بازرگانی و سایر مسائل فیما بین را نیز در اینجا نقل نمایم. اینک متن نامه شاه عباس :

« کران دو که دی فلورسیا شاه علوم انسانی و مطالعات فرنگی

سلطنت مآب ایالت و حکومت نصاب شوکت و حشمت قیاب نامدار کامکار عالی مقدار زبده حکام کرام مسیحیه قده و ولایه عظام فرنگیه سرافراز سریر دولت و نامداری زبینه مسند ایالت و کامکاری والی اعظم سپهدار معظم را بعد از اظهار مراسم صداقت و دوستی عز انهای رای عالی میگردداند که حالامدتیست که میانه نواب کامیاب همایون ما و حضرات سلاطین عظام فرنگیه قواعد محبت و دوستی استحکام دارد و از جانبین ایلچیان آمد شد مینمایند چه عجب که درین مدت از جانب آن سلطنت مآب سوی یک مکتوب دیگر نامه بخدمت اشرف نفرستاده و طیفه محبت آنست که آن سلطنت و شوکت ایاب نیز بطریق سلاطین عظام فرنگستان همیشه مکاتبات محبت آمیز ارسال داشته یگانگی بنماید که نواب همایون ما را با آن عالیجناب کمال محبت است. ثانیاً معلوم بوده باشد

که قبل ازین خواجه فتحی نام کرکراک خاصه شریفه را بجانب وندیک فرستاده بودیم که بعضی امتعه واجناس خریداری نموده بجهت سرکار خاصه شریفه آورد و او امتعه واجناس خریداری نموده بدین صوب می آمده چون بولایت روم رسیده بجهت آنکه میان ما و رومیان جنگ و نزاع واقع بوده احتیاط کرده بعضی از آن امتعه را باز بولایت وندیک فرستاده و حالا اجناس مزبور در وندیک است و بنواب همایون ما تعلق دارد درینولا زبده الاشباه خواجه صفر جولاهی ولد خواجه یادگار را که سوداگر خاصه شریفه و محل اعتماد است فرستادیم که امتعه واجناس مذکور را ستاده بدینولایت آورد و بآن حدود می آید طریق آنست که آن سلطنت پناه درکل موادامداد و اعانت مشارالیه بتقدیم رساند و اگر مردم وندیک در دادن اموال مذکور تعلق مینموده باشند آن ایالت و شوکت قیاب ایشانرا ممنوع گرداند که اموال سرکار خاصه شریفه را نگاه ندارند و درامداد و معاونت فرستاده همایون ما خود را معاف ندارد و همواره طریقه مراسله و آمدش بدینجانب مفتوح داشته هرگونه کاری درین دیار داشته باشد بی تکلف و حجاب بخدمت اشرف اعلام نماید که توجه بحصول آن موصول گردد و چون غرض اظهار محبت بود زیاده اطناب نرفت . ایام دولت بخیرباد

توضیحاتی که در باره این نامه باید داده شود یکی این است که این نامه کاغذ مستطیل و باندازه ۸۲ در ۲۵ سانتیمتر است و مهر شاه عباس بشکل دایره و قطر آن ۳۷ میلیمتر است . لغت کرکراک که ترکی است بمعنی عامل کار و تجارت است و مقصود ازولایت وندیک شهر معروف و نیز می باشد . اینک جواب امیرفلورانس بنامه فوق ازروی نسخه اصل مضبوط در کتابخانه ملی ناپل :

«معروض رای بندگان نواب کامیاب سپهر رکاب اشرف اقدس ارفع اعلی خلدالله ملکه ابدأ میگرداند که محبتی که نواب همایون اعلی نسبت باین داعی باخلاص دارد بسیار خوشحال شده بعرض میرساند که بعضی خدمات که خواجه صفر داشته به حسب المدعا صورت داده و بعضی احوالات بوده که درمکتوب نتوانست نوشت بهزبانیه خواجه مذکور گفته بعرض خواهد رسانید و در باب مالی که در وندیک بود فقیر در کوفتن اموال نهایت سعی نموده به حسب المدعای نواب صورت دادیم التماس از جانب نواب

چنانست که خاطر خود را از مردم و ندیک جمع دارند چرا که جمیع دوست آن علی جانمند متوقع چنان است که هر خدماتی که از دست بنده بر آید امر نمایند که بجان منت داشته به تقدیم رسانیم و امید که همیشه بافتح و فیروزی بوده باشند زیاده نرفت ایام دولت مستدام باد .

تاریخ نامه فوق مطابق آنچه در مجموعه نسخ خطی کتابخانه ملی ناپل ضبط است ماه ژویه ۱۶۱۹ از میلاد مسیح مطابق شهر شعبان ۱۰۶۸ هجری قمری است .

نامه های متبادله میان امیر تسکان و شاه عباس راجع بارامنه

«بندگان نواب کامیاب سپهر رکاب اشرف اقدس اشجع اعلیٰ خلدالله ملک و سلطانه المظفر المقرالدوله عباس پادشاه به عرض میرساند که جماعت ارامنه که رعیت بندگان نواب عالیجاه اند کله باین جانب بواسطه تجارت و معامله خود می آیند و درین وقت دوسه نفر سوداگر ارمنی به کشتی نشسته جماعتی از مردم ترک ایشانرا به قید در آورده چون فقیر از این مقدمه اطلاع یافتیم که این دوسه نفر تعلق به نواب اشرف دارد خود رفته ایشانرا نجات دادم و حال آنکه ارمنی که رعیت پادشاه تر کند بدیار فرنگیه که وارد میشوند مذکور مینمایند که مارعیت نواب همایونیم و بهر نوع که اراده می نمایند احدی را قدرت آن نیست که تواند بایشان حرفی گفتن التماس از جانب بندگان نواب سلیمان بار گاه چنان است که هر سوداگر ارمنی بدین جانب آید نشانه از نواب اشرف در دست داشته باشد تا آنکه بر ما ظاهر شده که خاطر جمع بوده باشد و التماس چنان است که هر گونه کاری و خدمتی بوده باشد رجوع نمایند که بتقدیم رسانیده شود زیاده نرفت . ایام دولت پاینده باد .» اینک متن نامه شاه عباس راجع بارامنه نخجوان :

هو الله سبحانه

معزاً للسلطنة والجلالة والابهة والبسالة والعز والاقبال گزند و که والی کبیر توسکانه جناب سلطنت و شوکت یناه جلال و بسالت دستگاه ابهت و نصف انتباه و الاقدر بلند مقدار اکرم سلاطین سامی تسکان مسیحیه (این کلمات با آب طلا نوشته شده) افخم ملوک رفیع الشان عیسویه (این کلمه با آب طلا نوشته شده) رزقه خیر العاقبه بالعیایه الربانیه را تعظیمات عطوفت قرین محبت تزین ابلاغ و ارسال داشته همگی همت

اکسیر خاصیت بانتظام امور و احوال و التیام اسباب دولت و اقبال آن والی مخالفت خصال معطوف است بعد با انهای ضمیر مودت سمیر آنکه نسیقه مؤلفت بیان که درین اوان فیروزی اقتران مشتمل بر سفارش عیسویان ارمنی و فرنگی اکفاء نخجوان مرقوم قلم اخلاص شیم شده بود در نیکو ترین زمانی مصحوب خلیفه نخجوانی شرف ورود یافته سبب استحکام بنای دوستی و الفت و التیام مواد مؤلفت و خلت گردیده مقرر فرمودیم که محال متعلقه بایشان بخاصه شریفه منسوب بوده هر سال شخصی از بندگان سده سدره اساس با نولایت رفته حقوق دیوانی و متوجهات ایشان را باز یافت نموده نقل خزانه عامره نماید و حکام و وزراء و عمال دخیل بالوجهات و وجوهات ایشان نشده بعلمت اخراجات خلاف حساب مزاحمت نرسانند و امداد و همراهی ایشان بجای آورند طریقه دوستی و الفت آنکه مدام سالک مسالك ارتباط و التیام و بارسال رسل و رسایل جویای و رسایل یکجهمتی و خصایل یک رنگی بوده هر گونه مطلب و مدعائی که داشته باشند بلا حجاب بعرضه اعلام رسانند که منسوبان در گاه خلائق پناه باسعاف آن مأمور گردند. ایام سلطنت و شوکت و اجلال بماناد (این جمله در انتهای نامه طرف چپ نوشته شده) این نامه بطول ۴۲ سانتیمتر و بعرض ۲۹ سانتیمتر و نیم است ، مهر شاه عباس در این نامه مدور است و بر بالای آن نیمدایره ای نیز قرار دارد و بطوریکه قطر اعظم آن ۵۵ میلیمتر و قطر کوچکتر آن ۴۵ میلیمتر می شود و در داخل مهر این عبارات منقوش است : در نیمدایره بالا جمله : « الملك لله » و در میان دایره عبارات ذیل منقوش است : « انه من سليمان و انه بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله الذي فضلنا على كثير من عباده وصلى الله على خير خلقه محمد وآله » .

سایر مطالب نامه معلوم است و احتیاج بشرح و تفسیر ندارد .

در پایان این مقال وظیفه خویش میدانم از ارشاد های فاضلانه پرفسور کابریلی Gabrieli استاد دانشگاه رم و عضو اکادمی لینچی Lincei و همچنین از تحقیقات دقیق فاضل محترم آقای ویرجیلیو پونت کروه Virgilio Pontecorvo درباره نامهای متبادله میان شاه عباس و امیر تسکان تشکر نمایم . رم - ۱۴ شهریور ۱۳۳۲ فرهودی